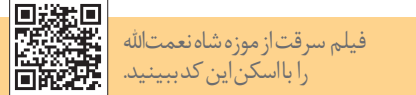


پیگیری

بازداشت ۳ نفر در پی سرقت از موزه ماهان



با اینکه موزه شاه نعمت‌الله ولی ماهان در اختیار اداره اوقاف بوده است، با سرقت چند نسخه خطی ارزشمند قرآن و سکه‌های تاریخی به‌عنوان میراث مشترک همه ایرانیان، اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کرمان پیگیری‌های لازم را انجام می‌دهد و برای تجهیز ایمنی موزه‌ها اعلام آمادگی می‌کند. تعدادی از نسخه خطی قرآن معروف به گنجینه ماهان از موزه شاه نعمت‌الله ولی، پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت به سرقت رفت. به گفته سینا بنی‌اسد، دادستان عمومی و انقلاب ماهان در کرمان، مدیر مجموعه موزه و ۲ نگهبان موزه بازداشت شده‌اند و فیلم‌های دوربین‌های مداربسته نیز در دست بررسی تخصصی قرار دارد و چهره عامل اصلی سرقت هم شناسایی شده است، اما تاکنون هویت وی مشخص نشده و این فرد دستگیر نشده است. هیچ خسارتی به ساختمان، اقلام و ابنیه موزه وارد نشده و نقص عملکردی تجهیزات نظارتی در این مجموعه یکی از دلایل بروز این سرقت بوده‌است. معاون میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کرمان درباره مسئولیت اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان در بروز این سرقت به هم‌شهری می‌گوید: «برخی از موزه‌ها در اختیار اداره‌ها هستند؛ مثل موزه نفت، موزه پست، موزه ارتش و موزه اسلحه. همکاری اداره میراث فرهنگی با این موزه‌ها چنانچه تمایل داشته‌باشند در موضوع راه‌اندازی، کیفیت‌بخشی، چیدمان اشیا و ایمنی موزه است. موزه شاه نعمت‌الله ولی هم در اختیار اداره اوقاف است.» محسن موحدی با تأکید بر اینکه اشیای سرقت شده بخشی از میراث مشترک همه ما ایرانیان بوده‌است، ادامه می‌دهد: «متولی امنیت موزه مدیر موزه بوده و از آنجا که زیرمجموعه ما نیست، نگهبانی از آن نیز در حوزه وظایف ما نیست، اما از آنجا که اشیای سرقت شده بسیار ارزشمند، همکاری و پیگیری خواهیم کرد. در آینده نیز آماده همکاری برای برقراری امنیت بیشتر موزه‌هایی که در اختیار دارند، هستیم.»



فیلم سرقت از موزه شاه نعمت‌الله را با اسکن این کد ببینید.

زینت بوم مجید جباری، روزنامه‌نگار

مشارکت محلی‌ها در آبرسانی به حیوانات کویر



مسئولان پارک ملی کویر با مشارکت فعال مردم محلی، گام‌های مؤثری برای تأمین منابع آبی حیات‌وحش در فصل گرم سسال برداشت‌اند. کاهش تأمین منابع آبی نسبت به سال‌های گذشته، نگرانی‌هایی درباره تأمین آب گونه‌های جانوری ایجاد کرده‌بود که با همکاری جوامع محلی، چشمه‌های طبیعی این زیستگاه ارزشمند لاریویی و برای روزهای گرم سسال آماده شد. رئیس پارک ملی کویر درباره منابع آب مورد نیاز برای حیات‌وحش پارک می‌گوید: «وضعیت منابع آبی اگر چه بحرانی نیست، اما نیازمند مدیریت دقیق و همکاری مستمر است. هم‌اکنون میان مسئولان و مردم محلی، الگویی موفق از حفاظت مشارکتی به شمار می‌رود که می‌تواند تابستان پیش‌رو را برای حیات‌وحش قابل‌تحمل‌تر کند.» رضا خاشعینی در گفت‌وگو با هم‌شهری به جزئیات اقدامات ذخیره‌سازی آب در پارک ملی کویر اشاره می‌کند و می‌افزاید: «اقدامات لازم برای تأمین آب مورد نیاز برای حیات‌وحش پارک ملی کویر در همه چشمه‌های موجود انجام می‌شود. پساک ملی کویر ۳۰ چشمه دائمی دارد و این چشمه‌ها در مجموع ۱۹۰ بشخور دارند. ۳۰ چشمه طبیعی موجود در پارک ملی کویر نیز هر سال به‌منظور تأمین آب برای حیات‌وحش لاریویی می‌شوند. لاریویی چشمه‌ها نیز با همکاری و مشارکت علاقه‌مندان طبیعت و جوامع محلی انجام می‌شود. حدود ۸سال است که جوامع محلی را درگیر مشارکت در حفاظت از گونه‌های ارزشمند پارک ملی کرده‌ایم و تعامل با جامعه محلی برای مشارکت در حفاظت از پساک ملی و حیات‌وحش آن به‌خوبی شکل گرفته‌است.»

او ادامه می‌دهد: «تاکنون مشکل خاصی برای تأمین آب حیات‌وحش نداشته‌ایم. البته در برخی سال‌های خشک، کار کمی سخت می‌شود. به همین خاطر برای ذخیره‌سازی آب مورد نیاز حیات‌وحش در فصول گرم سال، ۲۰ آب‌انبار قدیمی ۲۵۰هزار لیتری و ۱۵هزار لیتری را که از سال ۱۳۵۱ و سال تأسیس پارک وجود داشتند بازسازی، عایق‌بندی و آبگیری کردیم. یک منبع ذخیره آب دیگر با ظرفیت ۱۰۰هزار لیتر از سوی یکی از خیران ساخته شده‌است. در حال حاضر هرسه آب‌انبار ذخیره آب با حدود ۵۰هزار لیتر برای روزهای گرم سال آبگیری شده و مشکلی در این زمینه نداریم.» رئیس پارک ملی کویر با بیان اینکه احتمالاً این منابع ذخیره آبی از اوایل مرداد مورد استفاده قرار بگیرند، می‌گوید: «منابع آبی امسال این زیستگاه اگر چه چندان نامناسب نیست اما در مقایسه با سال‌های قبل کمتر شده‌است. دلیل آن هم تداوم خشکسالی و کمبود بارندگی است. به هر حال همه تمهیدات برای تأمین آب مورد نیاز حیات‌وحش پارک ملی کویر اندیشیده و چند منبع ذخیره آب در سطح زیستگاه ایجاد شده‌است تا در ماه‌های آینده مورد استفاده قرار بگیرد.»



واگذاری اختیارات به استانداران در حال بررسی است

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت: تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به استانداران جزو موضوعاتی است که در هیأت دولت در حال بررسی است. برخی موضوعات استان‌ها موضوعات ملی است که تفکیک این موضوعات به زمان و نگاه کارشناسی وزارتخانه‌ها نیاز دارد.

فیلم گزارش را با اسکن این کد ببینید.



کولبری شبانه «آب»

تنش آبی در روستای گزی‌زهی در سیستان و بلوچستان مسئولیت سختی را برای زنان رقم زده است

سفر شبانه

از وضعیت مدیریت شبکه آبرسانی روستاهای قصر قند که بگذریم، وضعیت زنان روستای گزی‌زهی حتی اگر به‌طور موقت و برای چند روز هم که باشد، ناگوار است. زنان برای پر کردن دبه‌های آب شبانه راهی روستای عورگی، یکی از روستاهای همجوار گزی‌زهی می‌شوند. فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان اینطور به هم‌شهری می‌گوید: «در روستای عورگی آتش می‌بارد. راه رفتن در روستای عورگی در این روزها یعنی فقط عرق ریختن. هوای بسیار گرم و داغ روستای عورگی سبب می‌شود زنان گزی‌زهی برای پر کردن دبه‌های آب تا شب منتظر بمانند. شب هوا کمی بهتر است.»

سیدخلیل موسوی‌نامی‌گوید که علت اصلی کم‌آبی در روستای گزی‌زهی و روستاهای مشابه کپارشر بودن سال گذشته است. به گفته او، هوتک‌ها خالی است و به همین دلیل با کوچک‌ترین تنش آبی و قطع شدن آب شبکه آبرسانی، اهالی مجبورند خودشان برای تأمین آب دست به کار شوند تا آب با تانکر به روستا برسد.



مسئولیت سنگین زنان روستا

«بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

بلوچ‌ها برای تأمین آب به هم کمک می‌کنند. زنان روستای گزی‌زهی با هم پای پیاده چند کیلومتر را طی می‌کنند تا به روستای عورگی برسند و دبه‌های آب را پر کنند.» این را سیدخلیل موسوی‌نیا، فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان می‌گوید و درباره اینکه چرا تأمین آب به‌عنوان مسئولیتی سخت و طاقت‌فرسا وظیفه زنان و مادران روستا شده، ادامه می‌دهد: «جامعه روستایی بلوچ هنوز شکل و شمایل سنتی دارد. معمولاً مردهای خانه برای کار به شهر و روستای دیگری رفته‌اند یا اینکه اکثر مشغول سوخت‌بری هستند. در این جامعه سنتی معمولاً مرد خانه ۲۰۲ روزی برای سوخت‌بری در خانه نیست؛ برای همین هم مسئولیت خواه ناخواه به دوش زنان می‌افتد. زنان و مادران هم برای تأمین آب آشامیدنی فرزندان و تهیه خوراک مجبورند سراغ تأمین آب بروند و نمی‌توانند تا رسیدن تانکر آبرسانی منتظر بمانند.»

سند ملی میراث فرهنگی ابلاغ می‌شود

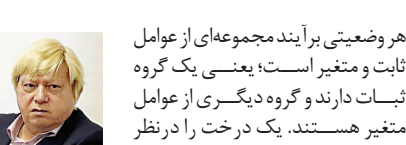
علی‌داریابی، قائم‌مقام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی: به‌زودی سند ملی میراث فرهنگی که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شده، توسط رئیس‌جمهور ابلاغ می‌شود. بعد از آن، سند ملی موزه‌داری که مرجعیت موزه‌داری در کشور تعبیر شده، در دستور کار است.



مکتب سید محمد بهشتی * هفته میراث فرهنگی

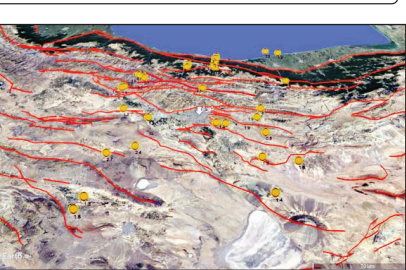
ایران؛ سرزمین بی‌قرار

میراث فرهنگی و آینده جوامع در حال تغییر



هر وضعیتی برآیند مجموعه‌ای از عوامل ثابت و متغیر است؛ یعنی یک گروه ثبات دارند و گروه دیگری از عوامل متغیر هستند. یک درخت را در نظر بگیرید؛ بخش تنه و ریشه ثابت است و برگ و بار درخت متغیر. در واقع در طول تاریخ ما همواره با امور متغیر و ثابت مواجه هستیم. با توجه به نام امروز یعنی میراث فرهنگی و آینده جوامع در حال تغییر، راهکار چیست؟ پاسخ، وضعیت متعادل است که شما ثبات قدم در امور ثابت داشته باشید، در عین اینکه نسبت به امور متغیر باید انعطاف نشان دهید.

متغیرهای بسیار و فراموشی تذکر



در روزگاری زندگی می‌کنیم که متغیرها بسیار زیاد است، در حالی که در گذشته به این میزان امور متغیر را شاهد نبودیم. به‌دلیل افزایش انفجاری متغیرها در دوره جدید با این ذهنیت مواجه هستیم که همه‌چیز متغیر است و اساساً امر ثابت وجود ندارد. به‌عبارتی می‌توان گفت این خرافه عصر جدید است که قائل به هیچ امر ثابتی نیست. در محاوره‌های روزمره از واژه «دیگه» بهره می‌بریم و مثلاً می‌گوییم: «دیگه دوران هوش مصنوعیه» و با این نگاه، می‌خواهیم تأکید کنیم که دوران گذشته و همچنین ثبات سسیری شده است. در شرایطی که همیشه امر ثابت وجود دارد. پرسش این است که کجا، چگونه و چه کسی باید امر ثابت را متذکر شود؟ پاسخ ساده است، افرادی که با میراث فرهنگی و علوم مرتبط با آن سرو کار دارند.

در نبود این تذکر است که وضعیت استیصال پیش می‌آید، یعنی از اصل خود دور می‌مانیم. برای اینکه دچار چنین وضعیتی نشویم باید مدام متذکر ریشه‌ها و امور ثابت شویم.

مصادق کجاست؟



کوه‌های البرز در شمال تهران ۱۰هزار سال پیش هم وجود داشت و بدون تردید ۱۰هزار سال دیگر هم وجود خواهد داشت. ممکن است یک میلیون سال دیگر نباشند، اما قدرت طبیعت و به‌طور مشخص رشته کوه البرز بیش از اینهاست. وقتی کوه البرز در شمال تهران باشد، شما همواره یک شیب شمال از جنوب را شاهد خواهید بود. این امر ثابت به‌گونه‌ای است که اگر چشم‌های خود را ببندید و در خیابان‌های تهران صدای شر شر آب را بشنوید، متوجه می‌شوید که مسیر خیابان شمالی – جنوبی است و اگر صدای آب نشنیدید، مسیر خیابان غربی – شرقی است. بنابراین، این ویژگی‌ها از امور ثابت شهر تهران به‌حساب می‌آید.

در همین پایتخت یک امر ثابت دیگر هم داریم و آن، گسل بسیار خطرناک نیاوران در شمال شهر و کهریزک در جنوب شهر است. ۱۰هزار سال پیش این گسل‌ها وجود داشته و ۱۰هزار سال دیگر هم وجود داشت. این هم امر ثابت محسوب می‌شود، اما وقتی ما به میراث و گذشته بی‌توجه هستیم و امر ثابت را در نظر نمی‌گیریم، چه اتفاقی می‌افتد؟ این می‌شود که شهر را روی گسل نیاوران توسعه و در واقع خودمان را در معرض خطر قرار می‌دهیم.

ایران بی‌قرار



وقتی با توجه به دانش میراثی بدانیم که ایران سرزمینی بی‌قرار است، هنر زیستن در آن را هم یاد می‌گیریم. این هنر چیست؟ اینکه ما قرار در بی‌قراری را بیاموزیم. در طول تاریخ ما این توانایی را نداشته‌ایم. در دوره جدید اما سرزمین خودمان را دیگر به‌مثابه یک سرزمین بی‌قرار به‌جامی‌آوریم و آن را یک سرزمین باثبات در نظر گرفته‌ایم. در نتیجه چون اینگونه می‌اندیشیم، نسبت به هر ناملایماتی بی‌دست و پا شده‌ایم. به اعتقاد من اگر به تجربه‌های خود در طول تاریخ و میراث فرهنگی رجوع کنیم، متوجه این اشتباه می‌شویم و آداب زیستن در سرزمین بی‌قرار را می‌آموزیم.

عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری